

گزارشی از سفر به داغستان

ابوذر ابراهیمی ترکمان، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روسیه

سرویس بین الملل / خبرگزاری آران
گزارشی از سفر به داغستان؛ دیار " قمری دربندی "
با تأملی بر تاریخ ایران شناسی در داغستان

نویسنده: ابوذر ابراهیمی ترکمان، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روسیه

برای شرکت در کنفرانس "نقش فرهنگ در روابط ایران و روسیه" عازم مخاچ قلعه پایتخت داغستان شدم. از مسکو تا داغستان حدود دوهزار کیلومتر است که هواپیما این مسیر را در دو ساعت و ده دقیقه پیمود. در فرودگاه از سوی آقای ماگومدوف آرسن رسولویچ رییس دانشکده شرق شناسی دانشگاه دولتی داغستان و جمعی از مسئولین دانشگاه دولتی داغستان مورد استقبال قرار گرفتم. آقای رسولویچ دانش آموخته رشته باستانشناسی است و اکنون رییس دانشکده ای است که کرسی زبان فارسی نیز در آن دانشکده فعال است. به زبان فارسی علاقه مند است و از همین رو بیشترین توجه را در دوران ریاستش بر دانشکده از این کرسی به عمل آورده است. داغستان همواره برای من خاطره انگیز بوده است به ویژه از آن رو که هموطنان زیادی در این دیار زیسته اند چه آنکه تا پیش از دویست سال پیش این منطقه در قلمرو حاکمیت ایران بوده است و تقریباً دویست سال پیش در 12 اکتبر 1813 میلادی داغستان به همراه بخش های زیادی از کشور بزرگ ایران، به دلیل بی کفایتی پادشاهان قاجار و در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار و طی قرارداد ننگین گستان از پیکره ایران جدا شد، در فصل سوم این قرارداد که به جدایی داغستان انجامید آمده است:

اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه اعظم مالک بالاستقلال کل ممالک ایران به جهت ثبوت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت خورشید رتبت، امپراطور کل ممالک روسیه دارند به این صلحنامه به عوض خود و ولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران ولایات قراباغ و گنجه که الآن موسوم به الیزابت پول است و الکای خوانین نشین شکی، شیروان، قوئنه، دربند، بادکوبه و هر جا از ولایات طالش را با خاکی که الآن در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان، گرجستان، محال شوره گل، آچوق باش، کورنه، مینگرلی، آبخازی و تمامی الکا و اراضی که در میانه قفقازیه و سرحدات معینه الحاله بوده و نیز آنچه از اراضی دریای قفقازیه الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق به ممالک آمپیریه روسیه می داند. (معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، صفحه 77)

آن روز که داغستان از پیکره ایران جدا شد، از فرهنگی کاملاً ایرانی اسلامی برخوردار بود و اکنون پس از گذشت دویست سال و ایجاد اختلاط قومی فراوان، دیدن ماندگاری آموزه های اسلامی ایرانی برای هر بیننده ای شگفت انگیز است تعداد مناره های مساجد داغستان بسیار بیشتر از ناقوس کلیسا ها است و هر مسلمانی بی دغدغه می تواند در رستوران های داغستان غذا تناول کند زیرا مسلمانان داغستان تقید زیادی به ذبح اسلامی دارند و می توان گفت که داغستان به عنوان یک سرزمین اسلامی در میان فدراسیون روسیه باقی مانده است. اسامی مردم داغستان همه نشان از توجه به اسلام دارد. در داغستان بسیار پیش می آید که با اسامی کریم، حبیب الله، نورالله، محی الدین، اکبر، رقیه، زینب، رسول و... مواجه می شویم. اقوام مختلف ایرانی ساکن در داغستان، که اغلب از اهالی آذربایجان ایران بودند در این دیار زندگی می کنند و تمرکز عمده آنان در شهر دربند است و اکنون در مخاچ قلعه پایتخت داغستان بسیاری کسانی که ریشه خود را از اردبیل و تبریز و سراب می دانند

موقعیت جغرافیایی داغستان

داغستان در ساحل غربی دریای خزر واقع شده است. بخش جنوبی جمهوری را کوهها و دامنه های کوه قفقاز اشغال کرده اند، در بخش شمالی جلگه حواشی خزر قرار دارد. از بخش مرکزی جمهوری، رودهای ترک و سولاک عبور می کنند. دو رود اصلی آن که در کوه جریان دارند، سولاک در شمال و سامور در جنوب است. سلسله جبال سنگاوی و آندیسیکی، مرزهای طبیعی داغستان را تشکیل می دهند. داغستان از ترکیب کلمات «داغ» که در زبان های ترکی به معنای کوه است و «ستان» که در زبان های ایرانی به معنای «جای یا سرزمین» است، پدید آمده است. داغستان یکی از جمهوری های خودمختار روسیه در غرب قفقاز و ساحل شرقی دریای خزر است. مردم داغستان از اقوام مختلف نژاد قفقازی هستند، به واسطه حضور گروه های قومی بسیار گوناگون در این سرزمین به جز روسی، بیش از ۳۰ زبان دیگر نیز در داغستان صحبت می شود. داغستان به معنای کشور کوهی است. برای اینکه بهتر بتوان این منطقه را با قسمت های دیدنی اش در ذهن مجسم کرد، می توان گفت که دامنه شمالی کوههای مرکزی و شرقی قفقاز که منطقه کارباردینو-بارلکار، استیای شمالی، چچن و اینگوشه را اشغال کرده اند، از نظر مساحت با کوههای داغستان برابری می کنند. این منطقه در داخل به دو بخش تقسیم می شود، بخش کوهستان غیر مرتفع و بخش مرتفع آلپ، که در زمره مناطق جالب توجه توریستی قرار می گیرد. کوهها مساحتی در حدود 25 هزار کیلومتر را به خود اختصاص داده اند و ارتفاع منطقه به طور متوسط 960 متر است. داغستان با چچن نیز همسایه است و این همسایگی در سال های اخیر وبه هنگام ناآرامی های چچن، سبب گردید تا دولت مرکزی حساسیت خود را بر روی داغستان نیز متمرکز کند.

گروه های نژادی در داغستان

نژادها ی مختلفی در داغستان زندگی می کنند که البته بسیاری از این نژادها پس از تصاحب داغستان از سوی حکومت تزار به این دیار کوچانده شده اند؛

&bull؛ آوار = 5۰۰,۰۰۰ جزئی از نژاد متحد داغستان

&bull؛ دارگین = ۳۰۰,۰۰۰ جزئی از نژاد متحد داغستان

&bull؛ لزگی ها = ۲۰۰,۰۰۰ جزئی از نژاد متحد داغستان

&bull؛ مردم لک = ۱۰۰,۰۰۰ اجزئی از نژاد متحد داغستان

&bull؛ طبرسران جزئی از نژاد متحد داغستان

&bull؛ رتول جزئی از نژاد متحد داغستان

&bull؛ اگول جزئی از نژاد متحد داغستان

&bull؛ تساخور جزئی از نژاد متحد داغستان

&bull؛

&bull؛ کومیک = ۳۶۵,۸۰۴ نفر یا (۱۴/۲٪)

&bull؛ نوگای = ۳۸,۱۶۸ نفر یا (۱/۵٪)

&bull؛ آذری زبان ۱۱۱,۶۵۰ نفر یا (۴/۳٪)

&bull؛ روس = ۱۲۰,۸۷۵ نفر یا (۴/۷٪ جمعیت

bull& چچن = ۸۷/۸۶۷ نفر یا (۴/۳٪)

اقلیت های کم جمعیت

bull& تات

bull& اوکراینی

bull& تاتار

bull& اوستی

bull& یهودیان

وقایع مهم داغستان از قرن نوزدهم تا کنون

قرن نوزدهم قیام همگانی شریعت در داغستان جهت نشان دادن عکس العملی به جنگ میان روسیه و عثمانی در سالهای 1877 تا 1878 صورت گرفت. اما با وجود نتایج مثبتی که اوایل قیام به دست آوردند، این قیام به شدت سرکوب شده و قیام کنندگان مورد مجازات شدید قرار گرفته به مناطق مختلف روسیه تبعید شدند. قرن بیستم سال 1944 حکومت دینی مسلمانان قفقاز شمالی به رهبری مفتی این منطقه آغاز شد. سالهای 1989 تا 1997، دوره قانونی فعالیت های اجتماعی بقاء الدین کیدوف (بقاء الدین محمد نیز نامیده می شود)، محسوب می شود. سال 1990، با فروپاشی حکومت معنوی مسلمانان قفقاز شمالی، حکومت مسلمانان داغستان تشکیل شد. 17 سپتامبر سال 1991، تغییر وضعیت و تغییر نام در حکومت رخ داد و 17 دسامبر سال 1991، به صورت جمهوری داغستان درآمد. سال 1994، قانون اساسی جمهوری داغستان به تصویب رسید. سال 1998، بقاء الدین محمد با طرفداران خود شورای اسلامی داغستان را به نام سازمان رادیکال اسلامی سازماندهی کرد 21 می 1998، برادران خاچیلایف با طرفداران خود در ماخاچ قلعه، ساختمان دولت را محاصره کردند. سال 1999، وهابیون در داغستان غربی و مرکزی نفوذ کردند. سال 2006 به پیشنهاد ولادیمیر پوتین، موخا علی یف به عنوان رییس جمهوری داغستان انتخاب شد.

جمعیت

جمعیت این جمهوری براساس سرشماری سال 2008 دومیلیون و ششصد و هشتاد و هفت هزار نفر اعلام شده است. جمعیت کشاورز این منطقه 57/5 درصد کل جمعیت را تشکیل می دهد، حدود 700 هزار نفر داغستانی در خارج مرزهای این کشور زندگی می کنند. با آنکه رشد جمعیت فدراسیون روسیه منفی است ولی مردم داغستان از نظر میزان موالید، پس از اینگوشه و چچن جایگاه سوم را در روسیه به خود اختصاص می دهند. جمعیت روسیه از زمان فروپاشی شوروی در سال 1991 رو به کاهش گذاشته و اکنون با پنج درصد کاهش به 142/5 میلیون نفر رسیده است. این کاهش جمعیت موجب شده تا برنامه های چند میلیارد دلاری برای افزایش میزان زاد و ولد در این کشور به اجرا گذاشته شود. اما در شرایطی که بومی ها و اقوام روسی به دلیل کاهش زاد و ولد برای ادامه بقای خود با چالش جدی رو به رو هستند، هر سال موجی از مهاجران از مناطق عمدتاً مسلمان آسیای مرکزی به روسیه هجوم می آورند. آمار و ارقام رسمی جمعیت مسلمانان روسیه را در سال 1989، 12 میلیون نفر نشان می داد. این رقم اکنون تا 30 میلیون نفر رسیده است.

اسلام در داغستان

تأثیر دین بر جریانات اجتماعی- سیاسی در جمهوری داغستان، اواخر سالهای 1990 میلادی به بالاترین حد خود رسید. جمعیت محلی این منطقه حتی در دوره اتحاد جماهیر شوروی از نظر اعتقادات دینی متمایز بودند. با آغاز دوره پرسترویکا در اواخر سال های 1980، جمعیت سلفی ها در کنار جمعیت های صوفیان افزایش یافت. با اینکه در این منطقه، حضور سلفی ها پر رنگ می باشد، اما هیچ مناقشه ای منطقه ای یا بین منطقه ای با صوفیان رخ نداده است. در قرن هفتم اسلام از بخش قفقاز شرقی در این منطقه گسترش یافت و اوایل قرن دوازدهم، حکومت مسلمانان در این منطقه آغاز شد در قرن پانزدهم، اسلام در داغستان با وسعت بیشتری گسترش یافت. مردم داغستان اسلام را به شمال قفقاز نیز گسترش دادند. اکنون 96% جمعیت داغستان معتقد به اسلام هستند که 95% آنان سنی و 5% شیعه می باشند. 4% کل جمعیت را مسیحیان (پراوااسلاو) تشکیل می دهند. و جمعیت روس های داغستان از شیعیان کمتر است.

شیعیان در داغستان

در حال حاضر شیعیان داغستان که در بخش دربند زندگی می کنند حدود 200 هزار نفر، شیعیان ماخاچ کالا 4000 نفر و منطقه دربند 3000 نفر و منطقه کیزلیار 1500 نفر می باشند. شیعیان در طول سالهای سیطره حکومت کمونیستی نیز پایبندی به آموزه های خود را حفظ کردند.

مسجد جامع مخاچ قلعه و پایتخت داغستان

در ماخاچ قلعه پایتخت داغستان، یکی از زیباترین و بزرگترین مساجد اروپا قرار دارد که به شیوه مسجد استامبول «مسجد آبی» ساخته شده است. مسجد جامع ماخاچ کالا یک یادبود شگفت انگیز به شمار رفته و به عبارتی شهر را مزین می کند. هر سال که می گذرد، مسجد وسیع تر و وسیع تر می شود و در عین حال هارمونی خود را حفظ می کند. این مسجد از جذابیت بسیار بالایی برای مردم داغستان برخوردار است. نه تنها زیبایی و بزرگی این مسجد، بلکه عدم نفوذ سیاست در آن، مهمانان این جمهوری را به سوی خود می کشاند. در حال حاضر این مسجد گنجایش 15 نفر را در خود دارد. امام جماعت کنونی مسجد، امام محمد رسول حاجی سعادوف، تحصیلات خود را در داغستان آغاز کرده و سپس در مدینه به پایان رسانیده است. به گفته وی، تمام هفته به مراجعه کنندگان اختصاص دارد و مسجد به آنان کمک های مادی و غیر مادی می کند. مسجد در مطبوعات، موسسات آموزش عالی و سازمان های دولتی فعالانه به ایفای نقش می پردازد. به سوالات مردم پاسخ می دهند، به امور شرعی می پردازند و به افراد اجازه بحث در خصوص مسایل دینی می دهند.

این مسجد نسبتاً از وجهه و اعتبار بسیار خوبی در میان مردم برخوردار است. در مسجد به طور مرتب کلاس های آشنایی با زندگی پیامبر اسلام برگزار می شود، مراسم دینی را به جای می آورند و دوره های کوتاه مدت دانش دینی، نماز و آموزش قرآن برپا می کنند. برخی از کودکانی که در این کلاسها شرکت می کنند، فعالیت خود را متوقف نکرده و به تحصیل در مدارس مذهبی می پردازند. آموزش قرآن برای تمام علاقه مندان آزاد است. روزهای تعطیل حدود 60 نفر برای فراگیری شیوه درست نماز خواندن به این مسجد آمده و چند ساعتی را در آنجا می گذرانند. و هر شب یک ساعت را در کانال تلویزیون محلی به پرسش و پاسخ با بینندگان اختصاص می دهند. دو سال پیش در ماخاچ کالا شورایی به نام شورای امامان تاسیس شده است. به اعتقاد آنان، در دنیای ارتباطات و اطلاعات امروز، امامان نبایستی از دنیا عقب بمانند، آنان نیز باید اطلاعات خود را همگام با دنیا ارتقا دهند، چه در زمینه های دینی و چه غیر دینی.

مسجد شیعیان : مسجد خامنه ای

تنها مسجد شیعیان در ماخاچ قلعه، مسجد خامنه ای است که بیش از یکصد سال پیش توسط دوبرادر به نام های حاج اسدالله وحاج لطف الله خامنه ای در شهر ماخاچ قلعه ساخته شده است و در دوران شوروی سابق تبدیل به سالن ورزشی شده بود که پس از فروپاشی به همت شیعیان استرداد و به کاربری مسجد بازگشت و اکنون کلاس های مختلف اصول عقاید و قرآن در این مسجد برگزار می شود و در ایام محرم و رمضان عده زیادی از شیعیان گرد هم می آیند و مراسم مذهبی خود را اجرا می کنند. در ماه های رمضان و محرم با حضور مبلغ شیعه آذری برنامه های این مسجد رونق بیشتری می گیرد این مسجد تنها مسجد شیعه در ماخاچ قلعه است و یکی از 333 مسجد موجود در این شهر محسوب می شود.

دانشگاه دولتی داغستان

این دانشگاه در سال 1931 میلادی در شهر مخاچ قلعه تاسیس شد. دانشگاه دولتی داغستان یکی از مراکز علمی و فرهنگی بزرگ به شمار می رود که به آماده سازی متخصصان آتی در مقاطع آموزش عالی، قبل از دانشگاهی و بعد از آموزش عالی و همچنین تحصیلات تکمیلی در زمینه های علوم طبیعی، انسانی، اقتصادی، فنی می پردازد. این دانشگاه تا سال 1957 به نام شاعر ملی داغستان، سلیمان ستالسکی بود. در گروه علمی دانشگاه بیش از 3000 استاد و کارمند مشغول به کارند. این دانشگاه شامل: 18 دانشکده، 9 شعبه، 86 گروه، 2 موزه: بیولوژی و تاریخی، مجموعه گیاهان خشک، کتابخانه ای با بیش از 2 میلیون جلد کتاب، ایستگاه بیولوژیک، ایستگاه فضایی است. اکنون رییس دانشگاه آقای پروفیسور مرتضی ربادانف است که از روابط خوبش با چند تن از وزرای فعلی روسیه برای بازسازی و جذب امکانات برای دانشگاه بهره گرفته است. مردی مودب و بسیار آرام و علاقه مند به خدمت.

شرکت در کنفرانس نقش فرهنگ در روابط ایران و روسیه

به اتفاق آقای پروفیسور مرتضی ربادانف رییس دانشگاه دولتی داغستان برای افتتاح کنفرانس مشترک "نقش فرهنگ در روابط ایران و روسیه" به سالن کنفرانس واقع در محل کتابخانه ملی داغستان رفتیم. افراد فرهنگی بانفوذ داغستان در این کنفرانس شرکت کرده بودند افرادی چون: آقای قربانف قارون محمد اویچ وزیر اطلاع رسانی داغستان، آقای احمد محمداف نماینده رییس جمهوری داغستان در امور ادیان و آقای تمیرف عالم پاشا رئیس کتابخانه ملی داغستان، پروفیسور نوری عثمانوف مترجم قرآن به زبان روسی وعده ای از دانشمندان آذربایجان و داغستان نیز در این کنفرانس حضور داشتند. در سخنانم به سابقه روابط فرهنگی ایران و روسیه اشاره کردم و اشتراکات فرهنگی ایرانیان با روس ها و به ویژه با مردم داغستان را برشمردم. رییس دانشگاه و میهمانان نیز بر ضرورت گسترش روابط فرهنگی تاکید داشتند. نکته ای که برایم جالب بود این بود که در داغستان توجه مردم به ایرانیان بسیار صمیمی و از روی اشتیاق است. ایرانیان در چشم مردم داغستان صاحب احترام و کرامت هستند و هرگز به دیده تحقیر به ایرانیان نمی نگرند. افتتاح نمایشگاه نسخ خطی قرآنی. پس از کنفرانس برای افتتاح نمایشگاه نسخ خطی قرآنی در سالن ورودی کتابخانه ملی رفتیم که جمع زیادی از خبرنگاران و اهالی مطبوعات و شرکت کنندگان در آنجا منتظر افتتاح بودند. از اینکه نمایش نسخه های خطی و کهن قرآنی توانسته بود اینهمه از اهل فرهنگ را به کتابخانه بکشاند بسیار لذت بردم. احترام قرآن در میان مسلمانان داغستان وصف ناشدنی است. نمایشگاه افتتاح شد و مردم به بازدید نسخه ها پرداختند و هرکس می کوشید تا در کنار قرآن های نفیس تصویری به یادگار بردارد.

ایرانشناسی در داغستان

در این بخش بهتر آن دیدم که از نوشته دوست، همراه و میزبان عزیزم در این سفر آقای دکتر نوری محمد زاده استاد زبان فارسی در دانشگاه دولتی داغستان، بهره جویم. نوری محمدزاده در مقاله ای با عنوان ایران شناسی در داغستان مینویسد:

روابط داغستان با ایران زمین را می توان از زمان دولت ماد مشاهده کرد، زیرا در آن زمان داغستان جزء آلبانیای قفقاز به شمار می آمد و به قول تاریخشناس معروف روسی دیاکونوف، ما باید روابط آلبانیای قفقاز با دولت ماد را روابط بسیار نزدیکی تصور کنیم. از این زمان می توان در باره روابط فرهنگی بین مردمان داغستان و ایران صحبت کرد. و یکی از دلایل آن این است که بین مادها و اقوام سواحل شمالی دریای خزر در هزاره اول قبل از میلاد روابط تجاری برقرار بوده و ما می دانیم که روابط تجاری معمولاً همراه با روابط فرهنگی می باشد.

با این همه تاریخ زبان و ادبیات فارسی در داغستان از دوران دولت ساسانی شروع می شود. پیوستن آلبانیای قفقاز به ایران در زمان حکومت شاپور اول (241-272 ق.م.) صورت گرفت. ولی اولین اطلاعاتی که بر روابط اقوام داغستان با ایران زمان دولت ساسانی دلالت می کند، اطلاعات راجع به شرکت داغستانی هادر لشکرکشی های شاهان سلسله ساسانی و به ویژه شاپور دوم می باشد. برای نفوذ بیشتر در منطقه داغستان ایرانیان شروع به تبلیغ و گسترش دین زرتشتی خود کردند. و به نظر می رسد که این مسئله آغاز پیدایش کتب و هر نوع دیگری از آثار ادبی مذهب ساسانی ها و گسترش زبان پهلوی می باشد که این دو امر لازمه تبلیغ دین هستند. ایرانیان در داغستان استحکاماتی را ساختند و یکی از آنها شهر دربند می باشد. ساخت این شهر را می توان به دوران حکومت شاپور مرتبط ساخت ولی حتی اگر ساختن دیوار معروف دربند را شاپور آغاز نکرد دست کم ساخت آن نتیجه کوشش های وی می باشد. بیشترین نفوذ ایرانیان در این شهر بود که نام آن خود گواه بر این امر است. بعد از ساخت این دیوار مهاجرت مردم ایران به این شهر شروع شد. طبق اطلاعات اثر معروف دربندنامه، از مناطق داخل ایران به دربند سه هزار خانوار منتقل شده بودند و بر اساس اثر مکتوب آختی نامه، انوشیروان 60 خانوار از مردم فارس و 300 نفر سپاهی به قلعه ای در نزدیکی روستای آختی منتقل ساخت.

تمامی این موارد گواه بر پیدایش و گسترش زبان و ادبیات ایران در داغستان می باشد که نمونه بارز آن کتیبه هایی است به زبان پهلوی که در شهر دربند به جای مانده است. قبلاً 25 کتیبه کوچک به خط پهلوی متصل در باروی شهر دربند معروف بوده اند. ولی بر اساس کشف و بررسی های اخیر که در این شهر صورت گرفته اند، باستانشناسان شش کتیبه جدید به فارسی میانه را در آنجا کشف کردند. تمام این سی و یک کتیبه شامل نام های خاص سنگتراشان یا کسانی می باشند که در کشیدن دیوار سهمی داشته اند و یا اینکه نام و عنوان آمارگر را در بردارند. بعد از سقوط دولت ساسانی و حمله اعراب و به خصوص بعد از آمدن آنان به داغستان (اولین گردانهای سپاه اعراب در سال 22 ه.ق. به در بند آمده بودند (روابط ایران و داغستان کاهش یافت. بعد از گسترش دین مبین اسلام در داغستان زبان عربی جایگاه اول را احراز نمود و زبان اصلی تمام مناسبات تجاری، سیاسی، فرهنگی و ادبی شد. ولی در اواخر قرن 11 و اوایل قرن 12 میلادی و به خصوص بعد از قرن 16 میلادی، زبان فارسی دری در زندگی روزمره و فرهنگ، ادبیات و حتی مکاتبات سیاسی و تجاری جایگاه خاصی را به خود اختصاص داد.

کتاب های فارسی از استقبال زیادی را در داغستان برخوردارند و شاهد این مدعا، شرح و یادآوری هایی در باره کتابخانه های شخصی، مجموعه های کتب مساجد و نسخه های خطی انستیتوی تاریخ، باستانشناسی و نژادشناسی مرکز علوم داغستان وابسته به فرهنگستان علوم فدراسیون روسیه است. به ندرت کتابخانه یی پیدا می شد که در مجموعه کتاب های آن دیوان های شعر زیبای حافظ، سعدی، نظامی، فردوسی، جامی، فضولی، مولوی و غیره نباشد. در باره عشق و علاقه زیاد مردم داغستان به شعر فارسی، داستان معروف نظامی گنجوی و فرمانروای دربند دلیل واضحی بر این مورد می باشد. فرمانروای دربند بعد از خواندن مخزن الاسرار نظامی با وجودی که شعر به او اتحاف نشده بود مع ذلک با اهدای کتبی قیچاقی به نام آفاق به وی از کارش تحسین کرد و نظامی چنان مفتون زیبایی آفاق گردید که در سال 569 ه. ق. وی را به عقد نکاح خویش در آورد. او منظومه خسرو و شیرین را در دوران عشق همین زن سرود.

همان طور که اشاره شد، زبان فارسی زبان مکاتبات و آموزش گردید. مکاتبات شخصی و اداری یکی از حکام بزرگ داغستان امه خان آواری (1744-1801 م.) بنا بر این مطلب می باشد، از این خان 160 نامه به زبان فارسی نگارش شده است. همچنین فرمان شاه پهماسب اول (1524-1576 م.) در باره معاف شدن چند منطقه جنوب داغستان از پرداخت برخی مالیات ها به منظور جذب صوفیان آن دیار نیز از جمله این مکاتبات می باشد. علاوه بر این زبان فارسی را در مدارس سنتی و دینی داغستان نیز تدریس می کردند. روابط ایران و داغستان و زبان فارسی چنان گسترش وسیعی پیدا کرد که مردم داغستان نیاز به فرهنگ هایی از فارسی به زبان های خود احساس کردند. اولین فرهنگی که در آن لغات فارسی با ترجمه به یکی از زبان های داغستان ارایه شده، فرهنگی به نام فصل فی جمع التصاریف للفظ الواحد و مؤلف این فرهنگ محمد شفیع دبیر قاضی آواری عالم، فرهنگ نویس، ادیب و مترجم نامدار داغستان (1742-1817 م.) می باشد.

این فرهنگ در واقع فرهنگ ترکی با ترجمه به زبان های فارسی، عربی و آواری است. همین طور در سال 1196 ه.ق. وی فرهنگ عربی-فارسی-ترکی-آواری را تألیف نمود. دبیر قاضی آواری در تألیف فرهنگ های خود از منابعی مانند تفاسیر فی لغة الفرس تألیف قطران ابو منصور ارموی، صحح فرس تألیف هندوشاه نخچوانی، مجمع الفرس تألیف محمد

سروری کاشانی و غیره استفاده کرده بود. محمد شفیع آواری همچنین کلیله و دمنه را از عربی و اشعار فارسی را به آواری ترجمه کرده و گزیده اشعار گلستان سعدی را با معانی و شرح به عربی و فارسی برای دانش آموزان تألیف نمود. تمامی این موارد بیانگر استقبال مردم داغستان از زبان و ادبیات فارسی می باشد. و به تدریج تأثیر فرهنگ، ادبیات و زبان فارسی چندان افزایش یافت که خود داغستانی ها شروع به تألیف و نوشتن اثری به زبان شیرین فارسی نمودند. از نظر نگارنده شعراء، نویسندگان و علمایی که برای بیان تفکر و عقیده خود زبان فارسی را انتخاب کرده بودند، می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

(1) فرهیختگان داغستان که متأسفانه آثار آنها به دلایل مختلف تاریخی از بین رفته و فقط در کتب و تذکره ها اشاره ای به آنها شده است. از جمله آنها، میرزا علی الآختی (1771-1858م.) می باشد که شعر فارسی می سرود، سید میر تقی کاشانی که شاعر ایرانی و مؤلف دیوان عنعلییب، میرزا بیگ الشعاعی که با زبان فارسی آشنایی کامل داشت و آثار و اشعار زیاد خود را به این زبان نوشته بود.

(2) مؤلفینی که هیچ اطلاعی از زندگی آنها در دست نیست ولی در نسخه های مجموعه های منتخب اشعار فارسی، عربی و ترکی و نیز در تذکره های مختلف که در مراکز پژوهشی و غیره نگهداری می گردند، ابیات و اشعاری از آنان به فارسی موجود است. به عنوان نمونه غزل شاعر گمنام داغستانی – در بندلی درلر می باشد که در انستیتوی نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان نگهداری می شود.

(3) مهاجران ایرانی که به خاطر اوضاع سخت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران آن زمان به این منطقه دارای مردمان آزادی خواه پناه بردند. از سال 1891م. تا سال 1905م. در قفقاز بین 15 تا 62 هزار اسامی از مهاجران ایرانی ثبت شده است. از جمله این بزرگان عبد الرحیم طالبوف بوده که در اواخر دهه شصت قرن 19 میلادی به داغستان مهاجرت نمود.

(4) شعراء، نویسندگان، علما و روشنفکران داغستان که شرح حال و همچنین آثاری از آنها به زبان فارسی به جای مانده است. از جمله آنان می توان به ابوسفیان آقایی، قمری دربندی و القداری اشاره نمود. تمامی موارد فوق الذکر، دلیلی بر دخول کلمات فارسی میانه و دری در زبانهای داغستانی می باشند. مثلاً کلمات ایرانی که وارد زبان لرگی شدند بدون احتساب اسامی خاص، 554 واژه می باشند. کلمات ایرانی که وارد زبان لاکی شده اند شامل حدود 350 واژگان هستند. بیشتر از همه کلمات ایرانی وارد زبان اودینی شدند که حدود 1200 واحد زبانی را تشکیل می شوند. کمتر از همه زبانهای داغستان، زبانهای ایرانی بر زبان آواری تأثیر گذاشتند، در زبان آواری حدود 160 واژه ایرانی وجود دارد. با در نظر داشتن تمام موارد مذکوره مشخص می شود که روابط داغستان با ایران و ادبیات فارسی در داغستان ریشه های عمیق تاریخی دارد، اما متأسفانه این امر ناشناخته می باشد. و همین روابط سبب شده تا داغستانی ها بیشتر در رشته ایران شناسی بکوشند.

ایران شناسان داغستانی در دوره شوروی

تا فروپاشی شوروی ما در داغستان هیچ مرکز یا مؤسسه ای علمی پژوهشی که در آنها رشته های ایران شناسی تدریس شود، مشاهده نمی کنیم. علاقه مندان به پژوهش های ایران شناسی از داغستان ناچار به ترک زادگاه خویش در طلب علم بودند. اولین و بارزترین نمونه آنان میرزا محمد علی کاظم بیگ می باشد. پروفیسور کاظم بیگ شخصیت بزرگ و پیشرو افکار دانشگاهی روسیه قرن 18 میلادی بود. قاسم پدر کاظم بیگ شیخ الاسلام دربند بود. در سفر خود به ا ماکن مقدس اسلامی وی با دخترمیر باقر خان فرماندار رشت ازدواج کرد که از این ازدواج در 22 ژوئن سال 1802 میلادی میرزا محمد علی کاظم بیگ در شهر رشت چشم به دنیا گشود. در سن 9 سالگی کاظم بیگ به همراه مادرش پیش پدر به دربند آمده بود. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش فرا گرفت، و سپس از استادان پر آوازه آن شهر فلسفه اسلامی، بلاغت، منطق، احکام دین را آموخت. وی به زبان های آذری، عربی، فارسی و ترکی تسلط کاملی داشت و در 18 سالگی اشعاری به فارسی در لغو و معما می سرود. کاظم بیگ پس از دستگیری پدر در سال 1820 و تبعید آن به سیبری در پی وی به آستراخان رفت.

در آن شهر از آوازه گره های پروتستان اسکاتلندی زبان های اروپایی آموخت و به آنها زبانهای شرقی را یاد داد. مبلغان با سو استفاده از جوانی و بی تجربگی کاظم بیگ وی را به دین خود در آوردند. کاظم بیگ در آستراخان زبان های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و تا حدی عبری آموخت. در سال 1824 از وی برای ارتقاء سطح علمی خود در انگلستان دعوت به عمل آمد. ولی طبق دستور فرماندار قفقاز وی را به سیبری تبعید کردند. در راه وی مریض شد و در شهر قازان او را پیاده کردند. کاظم بیگ در منزل فوکس پروفیسور دانشگاه قازان سکونت یافت. از اکتبر 1826 وی با پیشنهاد اساتید دانشگاه قازان در این دانشگاه بلاغت شرق را تدریس می کرد. کاظم بیگ در آغاز کار خود، روسی را بلد نبود ولی به سرعت این زبان را آموخت و نه فقط به این زبان درس می داد بلکه شروع به ترجمه گلستان سعدی به زبان روسی نمود که این کار را در سال 1829 با موفقیت به پایان رساند. تعلیمات عمیق وی سبب شد تا کاظم بیگ در سال 1835 عضو وابسته آکادمی علوم روسیه گردید. در سال 1849 وی با دعوت دانشگاه پترزبورگ قازان را به مقصد پترزبورگ ترک کرد. در سال 1851 کاظم بیگ عضو انجمن جغرافیای روسیه شد و در همان سال اثر اصولی خود را در باره تاریخ دربند با عنوان دربندنامه و به زبان فارسی آماده چاپ کرد. در حال تألیف دربندنامه کاظم بیگ هم از نسخ خطی و هم از آثار دانشمندان غرب در باره تاریخ دربند و شروان بهره جست. کاظم بیگ بعد از چاپ این اثر در غرب و شرق شهرت پیدا کرد، چنانکه به خاطر این کار برنده جایزه دمیدوف معتبرترین جایزه علمی روسیه، مدال طلای ملکه انگلیس و نشان شیر و خورشید ایران شد. بعداً جایزه دمیدوف 3 بار نصیب کاظم بیگ شد. در ماه اکتبر سال 1854 بخش زبان های شرقی دانشگاه پترزبورگ به دانشکده تبدیل شد که کاظم بیگ به عنوان اولین رئیس آن منصوب شد. وی در دانشکده رشته های جدید که در اروپا بی نظیر بود، روش های تازه آموزش شرق شناسی را به اجرا گذاشت. میرزا فتحعلی آخوندوف در یکی از نامه های خود در باره کاظم بیگ چنین می گوید: "اما کاظم بیگ را شخصی فاضل و صاحب ذهن و مستحق تکریم می توان شمرد". آخوندوف نسخه ای از الفبای خود را برای کاظم بیگ فرستاده بود تا از نظریات وی بهره ببرد. جلال الدین میرزای قاجار نیز نسخه ای از جلد نخست نامه خسروان خود را برای کاظم بیگ فرستاد. کاظم بیگ آثار زیادی در ایران شناسی تألیف نموده است. او در شاهنامه پژوهی نیز قلم زده و اساطیر ایرانی شاهنامه وی شهرت جهانی یافته اند. باب و بابی ها، ادبیات فارسی پیش از اسلام، حماسه ایرانی و غیره از جمله آثار وی می باشند. پروفیسور کاظم بیگ در سال 1870 م. در پترزبورگ از دنیا رفت. به خاطر زحمات وی در توسعه خاورشناسی روسیه وی را پدر خاورشناسی روسیه می خوانند.

در دوره حکومت کمونیست ها در شوروی ایران شناسان متعددی از داغستان به شهرت رسیدند، مثل کوردی زاکیوف، عثمانوا و... اما ما در این مقاله می خواهیم به آقای عثمانوف اشاره کنیم و شرح حال خیلی مختصری را در باره وی بیاوریم. محمدنوری عثمانویچ عثمانوف در 6 فوریه سال 1924 میلادی در پایتخت داغستان در شهر ماخاچ قلعه به دنیا آمد. در سال 1950 وی تحصیل در دانشگاه دولتی مسکو را به پایان رساند. در سال 1954 دکترای ادبیات را گرفت. از آن زمان عثمانوف در راه سخت ایران شناسی گامی جدی نهاد تا در 1981 موفق به دریافت رتبه پروفیسوری شد. پروفیسور عثمانوف در رشته ادبیات ایران چهار اثر تحقیقی و گرانبها به رشته تحریر در آورد که در خاورشناسی نوآوری محسوب می شوند و موجب تقریظ های مثبت در اروپا و ایران شدند. این آثار به شرح زیر می باشند:

(1) شرح حال و تحلیل آثار عمر خیام که در سال 1958 منتشر شد.

(2) شرح حال و تحلیل آثار فردوسی که در سال 1960 به چاپ رسید.

3) سبک شعر فارسی تاجیکی در قرن 9-10 میلادیکه در سال 1974 به چاپ رسید و به مؤلف شهرت جهانی بخشید. در این اثر عثمانوف صور خیال در شعر فارسی سده چهارم هجری را نیز آورده بود.

4) پروفسور عثمانوف زمان زیادی در رأس یک گروه مؤلفین در تألیف تاریخ ادبیات فارسی که قرار بود چندجلدی باشد، شرکت می کرد. متأسفانه این کار به دلائل وضع نابسامان کشور به پایان نرسید.

پروفسور عثمانوف در زمینه متن شناسی تحت تأثیر افکار آکادمیک لیخاچف به نظریه متن شناسی شرقی توسعه داد و در این زمینه چند مقاله نوشته است. وی تصحیح انتقادی شاهنامه فردوسی را آماده چاپ کرد. عثمانوف همچنین در زمینه فرهنگ نویسی یک چهارم فرهنگ فارسی روسی توسط این ایرانشناس تدوین گردیده است. این فرهنگ چندین بار در شوروی و ایران به چاپ رسیده بود. همین طور وی اولین فرهنگ بسامدی در تاریخ خاورشناسی جهان را تدوین نمود که عنوان آن فرهنگ بسامدی عصری می باشد. عثمانوف به عنوان مترجم کارهای زیادی را انجام داده است. وی سندنانه، بختیارنامه، جواهر الآثار، درر الکلم، قرآن کریم... را به روسی ترجمه کرده است. صرف نظر از سن خود عثمانوف هنوز نیز پرکار و برای گسترش ایرانشناسی در داغستان فعالیت می کند. از امسال وی به عنوان رئیس کرسی جدید التاسیس ادبیات ایران و ترکیه دانشگاه دولتی داغستان انتخاب شد.

ایران شناسی در داغستان در دوره پس از فروپاشی شوروی

پس از فروپاشی شوروی ما شاهد رشد ایران شناسی در داغستان می باشیم. این رشد را می توان از سال 1991 م. به خوبی درک کرد. البته نمی توان گفت که زمان شوروی در داغستان در زمینه ایرانشناسی کاری انجام نشده بود چنان که به عنوان مثال در سال 1980 م. سرکار خانم کازلووا در همایشی که در شهر دوشنبه برگزار شد، با مقاله ای به عنوان "زبان فارسی در داغستان" سخنرانی کرد، بلکه کار اساسی انجام نشده بود. کارهایی را که محققین داغستانی انجام داده و آن دسته کارها که در دست تحقیق می باشند می توان به چند رشته تقسیم کرد:

1) زبانشناسی. در این زمینه با جرأت می توانیم بگوییم که تنها جناب آقای افندیف تلاش کرده است. وی تا به امروز جامعترین بررسی کلمات دخیل از زبان های ایرانی در زبان لزگی را انجام داد و اثر خود را با عنوان کلمات مأخوذ ایرانی در زبان لزگی در سال 2000 م. به چاپ رساند. در این اثر پرازش در مرحله اول عوامل تاریخی کلمات مأخوذ ایرانی و جایگاه آن در زبان لزگی را بررسی کرده است سپس به بررسی مسأله ورود کلمات ایرانی به زبان لزگی، گرفتن معنی و روش به کارگیری آنها را در زبان مذکور می پردازد. وی در آخر کتاب خود وی واژه نامه کلمات ایرانی دخیل در زبان لزگی را می آورد. وی همین طور فرهنگ کلمات ایرانی در زبان لزگی و فرهنگ کلمات ایرانی در زبان آواری را چاپ کرد. در زمینه تأثیر زبانهای ایرانی به زبان های داغستانی نیز چند مقاله تألیف نمود.

2) تاریخ. در زمینه تاریخ روابط داغستان و ایران می توان به کتاب پروفسور حسنوف به عنوان "داغستان و دنیای ایران" اشاره کرد. مؤلف در این کتاب که در واقع مجموعه مقالات وی می باشد و برای دانشجویان دانشکده های تاریخ شناسی دانشگاه ها توصیه می شود، به بررسی چندتا مسأله از تاریخ روابط مردمان داغستان و ایران پرداخته است. این تحقیق را می توان به 4 بخش تقسیم کرد:

1) روابط داغستانی با اقوام و دولت های ایرانی قبل از ظهور اسلام.

2) تاریخچه "مسکت"، ناحیه ای در جنوب شرقی داغستان.

3) تاریخ قوم تات.

4) روابط داغستانی با دولت های ایران بعد از ظهور اسلام.

3) ادبیات فارسی در داغستان. در این زمینه کاری اساسی صورت نگرفته است و بیشتر مقالات پراکنده ای در نشریات مختلف چاپ شده اند. از جمله کسانی که در این زمینه کار می کنند می توان به دکتر سرکار علیکوا و نگارنده تشاره کردهستیم.

4) باستانشناسی. در این زمینه باید به بررسی های کتیبه های دریند اشاره کرد و به خصوص نام پروفسور حاجیف را ذکر کرد که مشغول بررسی های آثار دریند و نواحی جنوب داغستان می باشد. مقالات پراکنده از ویدراین خصوص به چاپ رسید.

5) آموزش زبان فارسی. آموزش زبان فارسی در داغستان از سال 1996 م. به عنوان درس اختیاری برای دانشجویان بخش خاورشناسی دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی داغستان آغاز شد. از سال 2000 م. بعد از تأسیس دانشکده خاورشناسی دانشگاه مذکور، زبان فارسی به عنوان درس اصلی در آن تدریس می شود. از امسال کرسی مشترک ادبیات ایران و ترک در این دانشکده افتتاح گردید و پس از یک سال قرار است بر اساس برنامه آموزشی کرسی ادبیات ایران به عنوان کرسی مستقل تأسیس شود. در حال حاضر 4 نفر در این کرسی مشغول به تدریس زبان و ادبیات فارسی می باشند.

چشم انداز گسترش ایران شناسی در داغستان

با بررسی روابط فرهنگی تاریخی داغستان با ایران و فعالیت ایرانشناسان داغستانی در دوره های مختلف و همین طور آغاز بررسی های پژوهشگران در زمینه ایرانشناسی در داغستان امروز و شروع فعالیت کرسی ادبیات ایران در دانشگاه دولتی داغستان ما می توانیم چشم انداز و مشکلات آینده ایران شناسی را در داغستان ترسیم کنیم و همین طور اهمیت پژوهش های جدید رادراین زمینه مشاهده نماییم.

چشم اندازها

1) در زمینه زبان شناسی و به خصوص در زمینه تأثیر زبان های ایرانی بر زبان های داغستانی پژوهشگران داغستانی و ایرانی می توانند همکاری نمایند. چنان که دیده می شود در این زمینه کارهایی انجام شده ولی نیاز به بازنگری و گسترش آنها احساس می شود. در این زمینه می توان کارهای گروهی همراه با تبادل نظرهای متقابل انجام داد.

2) در زمینه تاریخ روابط داغستان و ایران طرفین می توانند تبادل اسناد و منابع تاریخی از جمله میکروفیش و میکروفیلم های نسخ خطی بپردازند که نیاز به ارایه فهرست های آن دارد. همین طور می توان تحقیقاتی در زمینه رجال داغستانی در ایران و شخصیت های ایرانی در داغستان که به دلائل مختلف از وطن های خود کوچیدند انجام داد.

3) در زمینه باستان شناسی متخصصین ایرانی می توانند با انجام مأموریت های علمی به داغستان با همکاری متخصصین داغستانی با آثار باستان شناسی و کتیبه های موجود آشنا شوند.

4) در زمینه ادبیات فارسی در داغستان محققان ما باید جستجوهای لازم با هدف پیدایش نسخه های جدید را انجام دهند و با کمک های طرف ایرانی آنها را به چاپ برسانند.

5) در زمینه آموزش زبان فارسی طرفین باید برای تدوین روش های جدیدتر و بهتر آموزش زبان فارسی به توابع داغستان همکاری های نزدیک و هماهنگی های پدیدری داشته باشند. در اینجا می توان به تدوین کتب آموزشی و کمک آموزشی با نظر به خصوصیات زبان شناسی ملل داغستان اشاره کرد.

6) در زمینه قوم شناسی متخصصین داغستانی و ایرانی می توانند در باره اقوام ایرانی داغستان مثل تات تحقیق کنند.

7) در زمینه دین شناسی می توان درباره علل ورود تشیع به داغستان، مراسم شیعیان داغستان و همین طور تأثیر سلسله های صوفیان ایران به رشد تصوف در داغستان با

همکاری متخصصین ایرانی تحقیق کرد.

8) در زمینه فرهنگ شناسی محققین ایران و داغستان باید به تأثیر متقابل ملت هابه فرهنگ و آداب یکدیگر توجه کنند. به عنوان مثال می توان به آداب نوروز و بکارگیری آلات موسیقی مشابه اشاره کرد. تمام این کارها نیازمند همکاری های تنگاتنگ و متمادی محافل علمی دانشگاهی طرفین می باشد. در راستای این تحقیقات باید همایش ها و میزگردهای علمی، تبادل اطلاعات و تجربه انجام شود عقد قرارداد همکاری میان دانشگاه دولتی داغستان و رازی فرهنگ سفارت جمهوری اسلامی ایران و متعاقب آن تاسیس مرکز ایرانشناسی در دانشگاه دولتی داغستان کهدراوایل سال 2005م صورت گرفت. نقطه عطفی در تحقق ایده های فوق محسوب می شود. این مرکز می تواند با همکاری با مؤسسات مربوط جمهوری در ایران از تمام تحقیقات در زمینه های مذکور حمایت های لازم را به عمل آورد و تجهیزات لازم را در اختیار آنان بگذارد.

مشکلات زیادی در این راه وجود دارند: از نبود امکانات اولیه برای تدریس زبان فارسی در داغستان تا عدم حمایت های مالی از تحقیقات صورت گرفته و عدم اطلاعات مردمان دو کشور از روابط دیرین یکدیگر. ولی به نظر می رسد که با تعامل و همکاری این مشکلات با مرور زمان قابل حل می باشند. بران شناسی در داغستان هر چند در سطح ابتدایی خود می باشد ولی امید می رود مثل روابط تاریخی دو دیار محکم و پایدار باشد. (پایان مقاله نوری محمدزاده)

حرکت به سوی شهر دربند. روز پنج شنبه برای بازدید از شهر تاریخی دربند راهی این شهر شدیم. شهر دربند در فاصله 120 کیلومتری شهر مخاچ قلعه قرار دارد و تقریباً در مرز روسیه و جمهوری آذربایجان (ایران شمالی) است.

دربند

قباد یکم، شاه ساسانی ایران، پس از عقب راندن خزرها به آن سوی رود ولگا و بازگرداندن نظم و آرامش به قفقاز شمالی، در ژوئیه سال 527 میلادی (طبق محاسبه تقویم نگاران، پنجم ژوئیه) دستور بازسازی شهر دربند (واقع در داغستان امروز و تلفظ کنونی: دربنت) را صادر و بوجه لازم را اختصاص داد. وی خسرو انوشیروان ولیعهد خود را به عنوان ناظر بر این نوسازی تعیین کرد. خسرو در دوران پادشاهی خود هم بر استحکامات این شهر افزود و آن را آبادتر کرد. داریوش بزرگ و شاپور یکم (پسر اردشیر پاپکان) در سنگ نبشته هایی، مناطق ایرانی قفقاز را ذکر کرده اند. شهر دربند میان دریای مازندران و کوه های قفقاز در تنگه یی به عرض سه کیلومتر قرار گرفته و پادگان آن قرن ها مانع ورود اقوام مهاجر (آوارها، خزرها و...) (به قلمرو ایران و روم می شد و امپراتوری روم بابت این عمل، هر ساله به ایران مقداری طلا می داد. منطقه داغستان که اینک یک ایالت) جمهوری خودمختار) فدراسیون روسیه است در طول حکومت ساسانیان، علاوه بر حکمران غیر نظامی یک مرزبان (ژنرال) با درجه اسپهبد) داشت که عملاً مقام برتر منطقه بود. مرزبانان قفقاز پس از حمله عرب، همانند مرزبانان «فرارود» سازمان های خود را منحل نکردند بلکه مستقلاً و یا با کمک حکمرانان ایرانی محل تا زمان صفویه به کار ادامه دادند. ایستادگی آنان در سال 728 میلادی در برابر حمله عرب که قصد ورود به داغستان امروز را داشتند مشهور است و گور مقتولان این ایستادگی که به «چهل قهرمان» معروفند هنوز مورد احترام است. دربند دیواری بسیار عظیم است که با جاده ای محصور و از قلعه های کوه تا کناره های دریا گسترده شده است.

چه زیبا توصیف می کند، نویسنده و رمان نویس بزرگ قرن نوزدهم، آ.دوما در کتاب «قفقاز»: در مقابلمان تنها دروازه ای بسیار بزرگ قرار دارد که می توان گفت به هنر معماری قوی شرق منسوب می شود و قرن ها را حقیر و کوچک می شمارد. اولین بار گیگاتی میلتسکی (م. قرن 5 قبل از میلاد)، تاریخ نویس یونان قدیم از این شهر دیدنی یاد می کند. تاریخ دربند در قرنهای نهم و تاریک گم می شود. کنکاش های زمین شناسان که از اوایل سالهای 70 قرن بیستم آغاز شد، نشان دادند که در منطقه دژها و قلعه ها «نارین» و «قلعه»، در اواخر قرن چهارم هزاره سوم قبل از میلاد روستاهایی با وسعت زیاد وجود داشته اند. می توان گفت که 5 هزار سال برای یک شهر هیچ حد و حصری ایجاد نمی کند، چرا که با ادامه کنکاش های زمین شناسی، در دنیای علم و گردشگری دیدنی های جدید و جالب توجه به بار می آید. مرحله بعدی در تاریخ شهر حدوداً از 2700 سال پیش آغاز می شود، در آن زمان قلعه هایی از پاره سنگهای منطقه دربند بنا می کردند. رن یک قبل از میلاد، دربند به منطقه آلبانی قفقاز پیوست. دربند در آن دوره شهر گله بود و علاوه بر این لطافت روحی، کنترل مهمترین مسیرهای نظامی- استراتژیکی را به عهده داشته و در امر تجارت نیز از شهرت برخوردار بود. بی جهت نبوده که امپراطور نرون، برای جنگ با این منطقه سپاهی عظیم به منطقه دربند گسیل داشت. در قرون 5 و 6 بعد از میلاد، پادشاهان ایرانی از سلسله ساسانیان، با گسترش مرزهای خود به سمت دربند، به ساخت و سازهای باشکوه پرداخته و سعی داشتند با این کار مسیر دربند را به طور کامل ببندند. قرن هشتم تا دهم بعد از میلاد، شهر در قلمرو خلفای عرب قرار گرفت و در فاصله قرون 10 تا 12 شهر، با تشکیل یک دولت اعلام استقلال کرد. در فاصله قرون 13 تا 14، به تصرف اقوام تاتار و مغول درآمد و قرون 15 تا 17، در زمره رقبای ایران و ترکیه قرار گرفت. سال 1722، پتر اول به دربند رفت و در سالهای 1747-1806، این شهر به صورت خان نشین درآمد. سال 1806، شهر دربند به روسیه متصل شد.

اولین گروهی ساکن در این منطقه به عصر برنز و اواخر قرن 4 قبل از میلاد- برمی گردد. این منطقه جنوبی ترین منطقه مسکونی روسیه است که از سال 1840 به صورت استان درآمد. سازمان اداره کننده این منطقه خودگردان، شورای نمایندگان شهری «شهر دربند» است که 35 نماینده منتخب به مدت 5 سال در آن خدمت می کنند. سازمان اجرایی این منطقه خودگردان، دفتر شورای شهری «شهر دربند» نام دارد با 54 عضو. در حال حاضر فلیکس کازیاخمدوف، اداره دولت را به مدت 5 سال بر عهده دارد. این منطقه از نظر جغرافیایی در 121 کیلومتری جنوب شرقی پایتخت داغستان و ماخاچ قلعه و در قسمت غربی سواحل دریای خزر واقع شده است. آب و هوای این منطقه قاره ای بوده و به دلیل کوهستان و ساحلی بودن، آب و هوا بسیار متغیر است.

صلای اذان شیعی بر ماذنه های دربند

در شهر دربند میهمان شعبه دانشگاه دولتی داغستان بودیم ابتدا به دیدار قلعه عظیم دربند رفتیم. قلعه ای بر فراز بلندترین مکان در دربند که برای حکمرانی و حفاظت از حملات تاسیس گشته است و اکنون از آن شکوه و عظمت باز بقایایی به یادگار مانده که البته مورد حفظ و مرمت نیست. از این قلعه تمام دربند نمایان است. هنگام ظهر هنوز برروی این قلعه بودیم که صدای اذان بر فراز ماذنه های دربند بلند شد. این اولین جایی بود در روسیه که دیدم صدای اذان بدون هیچ مشکلی از بلندگوهای مساجد پخش می شود. در میان اذان هایی که پخش می شد و اغلب شیعی بودند دو صدا برای من بسیار خاطره انگیز بود یکی اذان مرحوم موذن زاده که از یکی از مساجد پخش می شد و دیگر اذانی با صدای یکی از مومنین. الله اکبر..... شاهد ان مولانا و امامنا بالحق و وصینا امیر المومنین علیا ولی الله. اصرار بر شیعه بودن با تاکید بر شهادت امامت و ولایت و وصایت حضرت امام علی (ع). مگر می شود شیعه باشی و در دیار غربت از این اذان لذت نبری؟

دربند شهر "قمری دربندی" است

میرزا محمدتقی قمری؛ گلزار دربندی، شاعر و مرثیه و سرای داغستان؛ در سال 1235 هجری قمری در شهر دربند روسیه متولد شد و علوم دینی و زبان های فارسی و عربی را در زادگاهش فرا گرفت. وی در سال 1309 ه.ق در گذشت. قمری دربندی یکی از چهار شاعر برجسته مرثیه آذربایجانی است؛ کتاب منظوم؛ کنزالمصائب از آثار او است.

قمری دربندی آشنایی کمی با زبان روسی داشت. ، چنانچه خودش می گوید "عمر خود را صرف وصف خط و خال ابروی هلال زیبارویان نمود که یک دفعه عقل ممتاز به خطاب درآمد". وی از بزرگترین کاتب های دربند بود. از سی سالگی به روضه خوانی و مقتل نویسی پرداخت و کتاب کenz المصائب را به نظم در آورد که این کتاب بارها و بارها در تبریز چاپ شد. قمری بجز کenz المصائب اشعار دیگری هم داشت.

در سن پنجاه سالگی آن اشعار را به کenz المصائب می افزاید و این اثر را دیوان کامل قمری می نامد که دربردارنده اشعار ترکی و فارسی او است که با تصحیح آقا بن عابد در باکو به سال (1285 ه.ق.) و تهران سال (1372 ه.ش.) به چاپ رسیده است. اثر سوم و ناشناخته قمری دربندی دیوان کenz المعارف هست که بعد از وفات شاعر به دست فرزند او تحریر و تکمیل شده است و نسخه خطی آن در انستیتوی نسخ خطی باکو نگهداری می شود. این اثر قمری شامل 188 صفحه شعر فارسی می باشد. شعر قمری بیشتر دربردارنده مدایح و مرثیاتی اهل بیت (ع) و به خصوص امام حسین (ع) و یارانش می باشد، ولی شعرهای عارفانه و ساقی نامه ها نیز در شعرش به چشم می خوردند. قالب شعرهای وی بیشتر قصیده و غزل می باشد، ولی در شعر فارسی وی رباعیات هم وجود دارد. در شعر مرثیه خود در عزای امام حسین (ع) و یاران و اهل بیتش از روضه الشهدای کاشفی به عنوان سند تاریخی و از حدیقه السعدای فضولی (چنان که خودش از مکتب فضولی پیروی می کرد) بهره جسته است. شعر خواجوی کرمانی، منوچهری و محتشم کاشانی بر شعر فارسی قمری تأثیر گذاشته است. میرزا محمد تقی قمری گلزار دربندی تنها شاعر ماهر داغستانی می باشد که هم اشعار زیاد از وی به زبان فارسی و هم اطلاعاتی هر چند محدود از زندگی وی به جای مانده است.

میرزا حسن فرزند عبد الله القدری (1834-1910م.) تاریخ نگار و شاعر داغستانی.از دیگر مشاهیر دربند است. در روستای القدار به دنیا آمد. او از نوادگان شیخ شامیل بود. وی زبانهای ترکی، فارسی، عربی و روسی را در سطح عالی می دانست. با اکثر روشنفکران داغستانی، آذربایجانی و ایرانی مقیم داغستان دوست بود و با آنها مکاتبه داشت. در 1877م. به سبب شرکت در شورش علیه نظام تزاری روسیه دستگیر، زندانی و سپس تبعید شد. او آثار زیادی داشت از جمله دیوان الممنون و آثار داغستان. بعضی از شعرهای فارسی به جای مانده است از وی دارای کنایات و استعاره های زیبا می باشند.